





دانشگاه شهید بهشتی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

مقایسه حق عینی و حق دینی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر منصور امینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر میرحسین عابدیان

نگارش:

ایوب ابراهیمی دستگردی

۱۳۸۹/۷/۲۴

کتابخانه تخصصی حقوق
تهران

۱۳۸۸

۱۴۳۰۱۰

بانشکر و پاس فراوان از:

جناب آقای دکتر منصور امینی:

استاد گرامی که بانس والای علمی و انسانی خویش در طول انجام این تحقیق همواره مراراً بهمانی نمودند. لطف و

محبت ایشان راهگرا فراموش نخواهم کرد.

جناب آقای دکتر میر حسین علیدیان:

استاد محترم مشاور که از نقطه نظرات و نگرش عمیق علمی ایشان در تدوین این رساله بهره بردم.

و بانسکر فراوان از اساتید محترم و ارجمند:

جناب آقای دکتر غلامعلی سیفی زیناب و جناب آقای دکتر عباس قاسمی حامد که با قبول داوری این پایان

نامه مرا مورد لطف قرار دادند و از نقطه نظرات ارزشمند و مفید ایشان استفاده نمودم.

نهایت پاس و تقدیم به:

مادر عزیزم که وجودش با ارزشترین نعمت برایم بوده و هر چه هستم و هر چه دارم از زحمات و دعای خیر
اوست. انشالله که قادر به جبران ذره‌ای از زحمات و محبت بیکرانش باشم.

روح پدر عزیز و بزرگوارم که وجودش برایم منظر صبر و استقامت و سکینایی بود.

و

همسر مهربانم که وجودش برایم منظر عشق و زندگی است.

علائم اختصاری:

قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون آیین دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
قانون تجارت	ق.ت
قانون ثبت اسناد و املاک	ق.ث
قانون صدور چک	ق.چ
قانون روابط موجر و مستأجر	ق.ر.م
قانون قدیم آیین دادرسی مدنی	ق.ق.آ.د.م
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون مدنی	ق.م
قانون مدنی فرانسه	ق.م.ف
جلد	ج
رجوع کنید به	ر.ک
شماره	ش
صفحه	ص

ویرایش	Ed	Edition
همان	Ibid	Au meme endroit
شماره	N	Number
منبع پیشین	Op.cit	Ouvrage deja cite (Opus citatus)
صفحه	P	Page
صفحات	p.p	Pages
جلد	Vol	Volume



پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

موضوع: مقایسه حق عینی و حق دینی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر میرحسین عابدیان

استاد راهنما: جناب آقای دکتر منصور امینی

نگارش: ایوب ابراهیمی دستگردی

۱۳۸۸

چکیده:

یکی از تقسیمات مهم حقوق مالی، تقسیم حقوق به حق عینی و حق دینی می‌باشد. اهمیت تقسیم بندی آنجایی مشخص می‌گردد که بدانیم بسیاری از مسائل مبتلابه امروز، از جمله مساله آثار قولنامه، آثار بیع املاک ثبتی با سند عادی، آثار عقد معلق و بسیاری از مسائل دیگر، پاسخ صحیح خود را دایره مدار شناخت دقیق و صحیح از حقوق عینی و دینی می‌باشند. لذا علی‌رغم آنکه اهمیت موضوع بر هیچ حقوقدانی پوشیده نبوده، لیکن اکثر حقوقدانان صرفاً به بیان مزایای حق عینی بر حقوق دینی پرداخته و به طور منقح معیاری از تشخیص حق عینی از حق دینی ارائه نداده‌اند. در این پایان‌نامه چهار فرضیه در خصوص ملاک و معیار تشخیص حق عینی از حق دینی شامل معیار عین معین، معیار تعیین قانونی، معیار عین معین و تعیین قانونی و همچنین معیار عین معین و سلطه مستقیم ارائه و نقاط قوت و ضعف هر کدام مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در نهایت نیز با انتخاب معیار عین معین و سلطه مستقیم به عنوان معیار مورد پذیرش، مشخص می‌گردد با داشتن چنین معیاری، بسیاری از مسائل مبتلابه پاسخ خود را به سهولت و به نحوی قاعده‌مند خواهند یافت.

لغات کلیدی: حق عینی، حق دینی، معیار تشخیص، معیار عین معین و سلطه مستقیم

Abstract

One of the important classifications of financial rights is classifying them to chose in possession and chose in action. The significance of classification emerges when we know many current days legal problems such as effects of letter of promise, effects of selling real estate by non-official document, effects of conditional contract and some other questions, depend their correct answer to exact identifying of chose in possession and chose in action. However the significance of this subject is not concealed for lawyers, but most of jurisprudence only consider advantages of chose in possession in respect of chose in action and have not rendered a criteria for distinguish the chose in possession from chose in action. In current theses has been rendered four hypothesizes as to criteria of distinguishing between the chose in possession from chose in action including criteria of specified object, criteria of legislature specification, criteria of specified object and legislature specification as well as criteria of specified object and direct domination and then advantages and disadvantages of them has been observed and studied. Eventually by select criteria of specified object and direct domination as correct criteria, it will be clear through the criteria those problems and questions will find their accurate answer easily and formulated.

Keywords: chose in possession, chose in action, criteria of distinguishing, criteria of specified object and direct domination

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
بخش اول: کلیات.....	۸
فصل اول: تعاریف.....	۸
مبحث اول: تعریف حق، عین و دین.....	۱۰
گفتار اول: تعریف حق.....	۱۰
گفتار دوم: تعریف عین.....	۱۲
بند اول - عین معین.....	۱۵
بند دوم - عین کلی.....	۱۵
بند سوم - عین کلی در معین.....	۱۶
گفتار سوم: تعریف دین.....	۱۶
مبحث دوم: تعریف التزام، الزام و تعهد.....	۱۸
گفتار اول: تعریف التزام.....	۱۸
گفتار دوم: تعریف الزام.....	۱۹
گفتار سوم: تعریف تعهد.....	۲۰
مبحث سوم: تعریف ذمه و دارایی.....	۲۲
گفتار اول: تعریف ذمه.....	۲۲
گفتار دوم: تعریف دارایی.....	۲۴

۲۶	فصل دوم: انواع حق
۲۷	مبحث اول: حق عینی
۳۳	گفتار اول: حق عینی اصلی
۳۶	گفتار دوم: حق عینی تبعی
۳۷	مبحث دوم: حق دینی
۴۰	مبحث سوم: حق معنوی
۴۲	مبحث چهارم: حق دینی - عینی (تعهد عینی)
۴۴	بخش دوم: مقایسه اوصاف و مزایای حق عینی و حق دینی
۴۶	فصل اول: مقایسه اوصاف و ویژگی‌های حق عینی و دینی
۴۶	مبحث اول: مالی بودن
۴۷	مبحث دوم: قابلیت اسقاط و انتقال
۴۷	گفتار اول: قابلیت اسقاط حق عینی و حق دینی
۴۸	گفتار دوم: قابلیت انتقال حق عینی و حق دینی
۴۹	مبحث سوم: عناصر حق عینی و دینی
۵۰	مبحث چهارم: موضوع حق عینی و دینی
۵۳	مبحث پنجم: اسباب ایجاد حق عینی و دینی
۵۳	گفتار اول: قرارداد
۵۴	گفتار دوم: شروط ضمن عقد
۶۰	گفتار سوم: ایقاع

- گفتار چهارم: وقایع حقوقی ۶۳
- فصل دوم: مقایسه مزایای حق عینی و حق دینی ۶۶
- مبحث اول: اطلاق حق عینی ۶۶
- مبحث دوم: حق تقدم ۶۸
- مبحث سوم: حق تعقیب ۷۰
- بخش سوم: ملاک تشخیص حق عینی از دینی و تحلیل صحت یا عدم صحت تقسیم‌بندی ۷۳
- فصل اول: ملاک تشخیص حق عینی از حق دینی ۷۵
- مبحث اول: معیار معین بودن عین ۷۵
- مبحث دوم: معیار تعیین قانونی ۸۰
- مبحث سوم: معیار معین بودن عین و تعیین قانونی ۸۴
- مبحث چهارم: معیار عین معین و سلطه مستقیم ۸۵
- فصل دوم: تحلیل صحت یا عدم صحت تقسیم‌بندی ۸۹
- مبحث اول: بررسی ایراد وحدت حق عینی و حق دینی ۹۰
- گفتار اول: قرابت حق عینی به حق دینی ۹۰
- گفتار دوم: قرابت حق دینی به عینی ۹۲
- مبحث دوم: بررسی ایراد عدم توجه به جایگاه حقوق معنوی ۹۳
- مبحث سوم: بررسی ایراد وجود حد فاصل بین حق عینی و دینی ۹۷
- بخش چهارم: آثار تمایز بین حق عینی و دینی با تکیه بر مصادیق مورد اختلاف ۱۰۱
- فصل اول: وعده بیع و بیع املاک ثبت شده ۱۰۳

۱۰۳.....	مبحث اول: وعده بیع (قولنامه)
۱۱۳.....	مبحث دوم: بیع املاک ثبت شده با سند عادی
۱۱۳.....	گفتار اول: نظریه تشریفاتی بودن بیع املاک ثبت شده
۱۱۶.....	گفتار دوم: رضاعی بودن عقد بیع املاک ثبت شده
۱۱۷.....	گفتار سوم: نظریه مبتنی بر رعایت حقوق اشخاص ثالث
۱۲۰.....	گفتار چهارم: نظریه مبتنی بر تأخیر انتقال مالکیت
۱۲۲.....	فصل دوم: عقد معلق و بیع مال کلی
۱۲۳.....	مبحث اول: عقد معلق
۱۲۷.....	مبحث دوم: بیع عین کلی
۱۳۰.....	نتیجه گیری
۱۳۴.....	منابع و مأخذ

مقدمه:

تقسیم حقوق به حق عینی و حق دینی یکی از مهم‌ترین تقسیمات حق می‌باشد. اهمیت این تقسیم‌بندی آنجایی معلوم می‌گردد که بدانیم بسیاری از مسائل مبتلابه امروزه و پاسخ به سوالات پیرامون آن‌ها دائر مدار پاسخگویی به مسأله حق عینی و حق دینی و تشخیص ویژگی‌ها و مصادیق هر کدام می‌باشد. به عنوان مثال همواره این پرسش مطرح می‌شود که در اثر انعقاد قولنامه چه حقی برای طرفین عقد ایجاد می‌گردد؟ در بیع املاک ثبت شده با سند عادی آیا حق عینی به طرف قرارداد منتقل می‌شود یا خیر؟ در عقود تملیکی معلق و قبل از تحقق معلق‌علیه آیا برای منتقل‌علیه حق عینی وجود دارد و یا آنکه حق وی دینی می‌باشد.

پاسخ به سوالات مذکور بسته به اینکه حق ایجاد شده در نتیجه عقود مذکور را عینی یا دینی بدانیم متفاوت خواهد بود. لذا اهمیت تشخیص حق دینی از عینی و آشنایی با اوصاف و ویژگی‌های این دو حق بر هیچ حقوقدانی پوشیده نبوده و بر همین اساس با انتخاب موضوع پایان‌نامه با عنوان «مقایسه حق عینی و دینی» قصد داریم تا در حد توان ناچیز خویش با بررسی دقیق و جامع به سوالاتی که در این خصوص مطرح می‌گردد پاسخ گوئیم.

حقوقدانان کمتر به بررسی مسأله حق عینی و دینی پرداخته‌اند و صرفاً استاد بزرگوار حقوق ایران، جناب آقای دکتر کاتوزیان مبحثی مختصر از کتاب‌های اموال و مالکیت و همچنین در قسمتی از کتاب تعهدات خود، به بررسی حق عینی و دینی پرداخته‌اند. در سال ۱۳۸۷ نیز رساله دکتری نیز در دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «حق عینی و حق دینی در حقوق ایران و فرانسه» دفاع گردیده است. لیکن مهمترین ضعف تحقیقات مذکور عدم ارائه هیچگونه معیار

یا معیاری مناسب در تشخیص حق عینی از حق دینی می‌باشد. لذا یکی از مهمترین تفاوت‌های این تحقیق با نوشته‌های قبلی، ارائه معیاری مناسب در تشخیص حق عینی از دینی می‌باشد.

لذا مهمترین سوالی که در این تحقیق با آن مواجه هستیم آن است که معیار تشخیص حق عینی از حق دینی چیست و با چه شاخص و معیاری می‌توان این دو حق را از یکدیگر تفکیک نمود؟ از جمله سوالات دیگر که نقشی فرعی دارند آنکه آیا تقسیم حق به عینی و دینی جامع و مانع می‌باشد و یا آنکه با توجه به تحولات متنوع در عرصه‌های مختلف، باید شاخه‌ای دیگر از جمله حقوق معنوی را نیز به این اقسام اضافه نمود؟ آیا حد فاصلی بین حق عینی و دینی وجود دارد یا خیر؟ ویژگی‌ها و اوصاف حق عینی و دینی چه نقشی در شناخت مصادیق آن دو دارد؟ لذا در این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سوالات و بسیاری سوالات فرعی دیگر که در حین تحقیق با آن‌ها مواجه می‌شویم خواهیم بود. لیکن همانطور که بیان گردید مهم‌ترین سوال تحقیق آن است که معیار تشخیص حق عینی از حق دینی چیست؟ پاسخی که به این سوال داده می‌شود، کلیدی‌ترین ابزار در جهت پاسخگویی به دیگر سوالات پایان‌نامه خواهد بود.

برای پاسخ به سوال اصلی پایان‌نامه، یعنی معیار تشخیص حق عینی از حق دینی، چهار

فرضیه ارائه شده است که عبارتند از:

الف. معیار عین معین بودن،

ب. معیار تعیین قانونی،

ج. معیار عین معین بودن و تعیین قانونی،

د: معیار عین معین و سلطه مستقیم.

در این پایان‌نامه قصد داریم تا پس از بررسی پیرامون معیارهای ارائه شده و بیان نقاط ضعف و قوت هر کدام، معیار مورد اختیار را معرفی نماییم.

روش تحقیق در این پایان‌نامه مانند بسیاری از پایان‌نامه‌های دیگر حقوقی روش کتابخانه‌ای می‌باشد که با مطالعه و فیش برداری‌های طولانی و متعدد سعی در نظم بخشی به موضوع شده است.

مطالب این پایان‌نامه به جهت تقسیم مناسب و منطقی و در نتیجه سهولت در مطالعه و فهم در چهار بخش تنظیم شده است. بدیهی است که جهت آشنایی با اصطلاحات و مفاهیم و بررسی انواع حق و در کل به عنوان مقدمه‌ای جهت ورود به بحث اصلی، بخش اول را به بیان کلیات و مفاهیم اختصاص داده‌ایم. در بخش دوم به مقایسه اوصاف و مزایای حق عینی و دینی پرداخته تا با بررسی این اوصاف و امتیازات بتوانیم معیاری جامع و مانع در خصوص تشخیص حق عینی از دینی را ارائه دهیم. پس از مطالعه اوصاف و مزایا، در بخش سوم معیار تشخیص حق عینی از دینی را مورد بررسی قرار داده که این بخش اصلی‌ترین قسمت پایان‌نامه را تشکیل می‌دهد. در پایان و در بخش چهارم، از باب دیدگاه عملی به موضوع، آثار تمایز و تفکیک بین حق عینی و دینی را با تکیه بر مصادیق مورد اختلاف و مشتبه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بخش اول: کلیات

به منظور ارائه صحیح و منطقی مطالب و جهت آشنایی مقدماتی با موضوع پایان‌نامه، بیان مقدماتی کلی از جمله ارائه تعاریف و اصطلاحات و تقسیم‌بندی‌های متفاوت از حقوق ضروری می‌نماید. لذا بر آن شدیم تا با در نظر گرفتن بخش اول تحت عنوان کلیات، به بیان این مقدمات بپردازیم. در این بخش ابتدا در ضمن فصل اول به بیان تعاریف پرداخته و سپس در فصل دوم به بیان انواع حق خواهیم پرداخت.

فصل اول: تعاریف

در طول پایان‌نامه مکرراً با اصطلاحات حق، عین، دین، عین معین، عین کلی و ... مواجه خواهیم شد و لذا به منظور آشنایی اجمالی، این اصطلاحات، در ضمن سه مبحث به بیان تعریف آن‌ها خواهیم پرداخت.

مبحث اول: تعریف حق، عین و دین

گفتار اول: تعریف حق

حق یکی از واژه‌های بسیار پر معناست که تداعی بخش اساسی‌ترین آرمان‌های انسانی است. حق کاربرد گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف داشته و لغویان معانی متعددی برای آن ذکر کرده‌اند.

۱. حق گاهی به معنای ثابت در نفس امر و هر آنچه یقیناً ثبوت دارد و یا یقیناً واقع خواهد شد به کار رفته است. اشتقاقات مختلفی از حق در این معنا در قرآن و ادعیه استعمال شده است. اسناد حق به مرگ و قیامت در همین معنا به کار رفته است.^۱

۲. گاهی حق به معنای صدق خیر یا حکم و مطابقت آن با واقع به کار می‌رود.

۳. حق گاهی در مقابل باطل به کار می‌رود که در متون دینی و اعتقادی غالباً در چنین معنایی استعمال می‌شود.

۴. همچنین حق گاهی به معنای امتیاز و یا نصیبی است که برای کسی در نظر گرفته شده است و دیگران موظف به رعایت آن هستند.

^۱ حقت کلمه العذاب علی الکافرین (سوره الزمر- آیه ۷۱). و ان الموت الحق، و ان ناکرا و نکیر حق و اشهد ان نشر حق، و البعث الحق ... والحشر حق و الحساب حق. زیارت آل یاسین، قمی، حاج شیخ عباس، منتخب مفاتیح الجنان، انتشارات باقرالعلوم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ صفحه ۶۹۹.

۵. معنای دیگر حق که در علم حقوق و علی‌الاصول به صورت جمع به کار می‌رود، مجموعه مقررات و قوانینی است که در دوره‌ای خاص بر یک جامعه یا گروه حکومت می‌کند.^۱

از میان پنج معنای فوق که برای حق ذکر گردیده است معانی چهارم و پنجم است که در علم حقوق استفاده می‌شود و آنچه در این پایان‌نامه مقصود ما از حق می‌باشد، همانا معنای چهارم یعنی امتیاز و حق ثابت برای ذوالحق است. در همین معنا است که اکثر حقوقدانان حق را سلطه و تسلط یک شخص نسبت به مال و یا شخص دیگر می‌دانند.^۲

بنابراین مقصود از حق در این پایان‌نامه امتیاز یا سلطنت بر چیزی دیگر است، به طوری که زمام آن چیز در دست صاحب حق باشد و وی بتواند آن را منتقل یا اسقاط کند. حق در این معنا در مقابل حکم استعمال می‌شود. حکم برخلاف حق قابلیت اسقاط و انتقال را ندارد.

در حق زمام در دست صاحب حق است، اما در حکم زمام در دست حاکم یعنی شارع و قانونگذار است و تا زمانی که موضوع حکم باقی است اصل حکم نیز باقی می‌ماند و اشخاص توانایی رفع یا دفع آن را ندارند.^۳ به دلیل دور نشدن از موضع اصلی پایان‌نامه از مقایسه و بررسی تفصیلی حق و حکم خودداری کرده و علاقه‌مندان را به کتب و مقالات موجود در این

^۱ - کاتوزیان، دکتر ناصر، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۴.

^۲ - جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم ۱۳۸۲، ص ۲۱۶، ش

^۳ - محقق داماد، دکتر سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳،

خصوص ارجاع می‌دهیم.^۱ در فرهنگ حقوقی بلک نیز اصطلاح حق (right) در معانی مختلفی استعمال شده است که از آن جمله آن چیزی است که به موجب قانون یا اخلاق صحیح باشد. در معنای دوم آن چیزی است که بواسطه یک شخص و از طریق عدالت یا اصول اخلاقی مطالبه می‌شود. در معنای سوم «قدرت» امتیاز یا مصونیت اعطا شده به یک شخص توسط قانون را حق گویند. یکی دیگر از معانی ارائه شده در فرهنگ حقوقی بلک عبارت است از منافع، مطالبات یا مالکیتی که یک شخص در اموال مادی یا غیر مادی دارا می‌باشد.^۲ در این خصوص نیز در معنای سوم و چهارم است که مرتبط با علم حقوق بوده و مورد نظر ما در این پایان‌نامه می‌باشد.

گفتار دوم: تعریف عین

عین در لغت در معانی متعددی از جمله چشم، چشمه، چشم زدن، گاو وحشی، مشک و ... به کار رفته است.^۳ در علم منطق عین در مقابل ذهن و عبارت و کتابت به کار می‌رود. به عبارتی دیگر در علم منطق برای وجود چهار حالت تصور نموده‌اند، که عبارتند از وجود ذهنی و آنچه در ذهن نقش می‌بندد، وجود عینی و آنچه در عالم خارج وجود خارجی دارد، وجود

^۱ منبع پیشین، ص ۱۷-۲۲، همچنین ر.ک حسینی، دکتر سید عبد الکریم، رساله‌ای در باب حق و حکم، شرکت چاپ و

نشر بین‌الملل، ص ۲۰۹.

^۲ - Bryan A. Garner, black's Law Dictionary, 8th ed, Thomson west, 2004, p.1347

^۳ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳۴، ص ۴۸۱.

لفظی یا عبارت و آن زمانی است که لفظ وضع شده برای آن شیء بیان می‌گردد و دیگری وجود نوشتاری یا کتابت و آن زمانی است که اسم یا لفظ آن چیز نگارش می‌یابد.^۱

در علم حقوق و فقه، علی الاصول از لفظ عین در مقابل منفعت، عمل و حق استفاده می‌شود. تعریف فقها از بیع و همچنین تعریف ماده ۳۳۸ قانون مدنی که بیع را تملیک عین به عوض معلوم می‌داند نیز به همین مقصود و با هدف جدا کردن منفعت، عمل و حق از موضوع عقد بیع صورت گرفته است.^۲

بنابراین در علم حقوق مرسوم است که عین را عبارت از مالی می‌دانند که وجود مادی و محسوس داشته و به طور مستقل مورد داد و ستد قرار می‌گیرد و نه به عنوان ثمره یا منفعت ناشی از عین دیگر.^۳ لیکن منفعت به مالی گویند که به تدریج از عین استفاده می‌شود.

علی الاصول منفعت وجود خارجی و محسوس ندارد و به همین دلیل گاهی به عنوان صلاحیت و اختیار استفاده از مال از آن یاد می‌شود، لیکن باید دانست که در پاره‌ای موارد، مانند میوه درخت و شیر گوسفند، منافع نیز وجودی مادی دارند و تنها به این اعتبار که به تدریج از عین دیگری به دست می‌آیند منفعت نامیده می‌شوند. «بنابراین برخلاف آنچه پاره‌ای از مولفان (مرحوم مصطفی عدل) نوشته‌اند، محسوس نبودن وصفی نیست که بتواند عین را از منفعت ممتاز کند، زیرا نه تنها منفعت گاه وجود خارجی و محسوس دارد، پاره‌ای از اقسام

^۱ فرامرزی قرا ملکی، احمد، منطق، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶، ص ۲۷.

^۲ عابدیان، دکتر میرحسین، جزوه درسی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، حقوق مدنی ۲، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴.

^۳ کاتوزیان، دکتر ناصر، دوره عقود معین، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۱، ش ۲۴.